

بررسی فقهی تطبیقی سقط جنین در صورت به خطر افتادن جان مادر و جنین

سید مرتضی هاشمی^۱

^۱دانشجوی ارشد فقه و مبانی حقوق

نویسنده مسئول:

سید مرتضی هاشمی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۱۱-۲۰

چکیده

سقط جنین به معنای از بین بردن جنین در رحم مادر میباشد. بی تردید نفس انسانی محترم بوده و کشتن آن از نظر عقل و شرع ممنوع و حرام است، ولی شرع در مواردی سقط جنین را مجاز شمرده با توجه به اینکه جنین از زمان پیدایش تا تکامل نهایی خود دو مرحله را طی میکند که در مرحله اول فاقد روح است و در مرحله دوم دارای روح می شود که در صورت به خطر افتادن جان مادر یا جنین قبل از دمیدن روح در کالبد جنین سقط بلامانع بوده، ولی بعد از دمیده شدن روح در جنین در صورت خطر مرگ برای مادر جایز، در غیر آن صورت جایز نمیشود. سقط جنین ناقص الخلقه و موارد خاص دیگر، مانند وجود اختلال شدید در جنین، در صورتی که روح در آن دمیده نشده باشد، طبق ادله عسر و حرج و قاعده لاضرر و بنای عقلا جایز است و گرنه مانند تمام انسانهای دیگر حقوقی دارد، از جمله حق بقا و زندگی در نتیجه سقط آن جایز نیست. در پژوهش صورت گرفته دیدگاه فقه شیعه و اهل سنت در مورد سقط جنین از لحاظ فقهی مورد بررسی قرار گرفته و از نظرات علمای شیعه نیز استفاده شده است.

کلید واژه: انسان، سقط جنین، دمیده شدن روح، خطر برای مادر، خطر برای جنین، دپه سقط جنین.

مقدمه

توجه به موضوع سقط جنین از مسائلی است که همواره مورد توجه نظام های حقوقی و دینی بوده است. به ویژه در نظام های دینی، که برای جان آدمی ارزش و حرمت مطلق قائل اند، توجه به جنین و سقط وی در شرایط خاص، جایگاهی ویژه دارد. اما در برخی از کشورهای غربی، امری عادی و متعارف بوده و رسماً به صورت کاملاً قانونی و بدون هیچ منعی انجام می پذیرد و با کمال تأسف بخاطر آزادی های نامشروع و غلطی که در برخی از این کشورها وجود دارد سقط جنین به صورت اصل و قانون مورد پذیرش آن ها قرار گرفته به طوری که بیمارستان های دولتی نیز در این امر وظیفه همکاری با مراجعین خود را دارند از این جهت ارتباط نامشروع در این کشورها بالا گرفته و بدون هیچ محدودیتی سقط جنین انجام می پذیرد. با کمال تأسف این رویه غربی یعنی سقط جنین در کشورهای اسلامی به ویژه ایران نفوذ کرده و این در حالی است دین مبین اسلام برای انسان اهمیت و ارزش فراوانی قائل است و جایگاه حقوقی والای او در شریعت و قوانین و احکام شرعی که در قرآن و احادیث آمده، تصریح و تثبیت شده است که فقهای امامیه به طور کلی حکم به عدم جواز سقط جنین نموده اند ولو این جنین در مرحله ای باشد که هنوز در آن روح دمیده نشده باشد اهل سنت نیز در صورت ولوج روح در جنین و برخی مطلقاً حکم به عدم جواز نموده اند در هر حال بعد از ولوج روح، عدم جواز سقط جنین، مورد اتفاق شیعه و سنی است. حقیقت سقط جنین، دارای عوامل و احکامی است.

بررسی لغوی

جنین در لغت به معنای هر چیز پوشیده است. به بچه ای که در شکم مادر است نیز از این جهت که در رحم، مستور و پوشیده شده است، جنین گویند. (۱)

سقط جنین نیز در لغت، به بچه انداختن یا بچه افکندن اطلاق می شود، بنابراین خروج بچه پیش از موعد مقرر آن را سقط جنین گویند. (۲)

سقط در لغت یعنی افتادن بر زمین و سقط جنین یعنی افتادن جنین از شکم مادر روی زمین. (۳)

و از دیدگاهی دیگر یعنی انداختن جنین بدون این که دوره حیات او در شکم مادر به اتمام رسیده باشد. (۴)

در زبان عربی سقط جنین با عناوینی چون اجهاض، اسقاط، الفاء، طرح و املاص، بیان شده است و تقریباً همان معانی مشابه فارسی را دارد. (۵) (۶)

البته کلمه اجهاض، بر سقط جنین خود به خود و کلمه اسقاط، بر سقط جنین به واسطه شخص دیگر، اطلاق می شود.

بررسی اصطلاحی

در اصطلاحات پزشکی، فقهی و حقوقی نیز همین معانی با اندکی قیود و توضیحات، اراده می شود.

در اصطلاح پزشکی سقط جنین به «بیرون شدن حاصل باروری از رحم، درحالی که موجود تکوین یافته قادر به زندگی در خارج از رحم نباشد» تعریف شده است. (۷)

در اصطلاح حقوقی نیز «سقط جنین عبارت است از اخراج حمل قبل از موعد طبیعی زایمان به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد».

در اصطلاح روایی با نگاهی گذرا به روایات ائمه معصومین ع و نحوه استنباط فقها، انسان را به این واقعیت میرساند که واژه سقط، در اصطلاح نیز به همان معنای لغوی بکار گرفته شده، یعنی از سقط همان معنای سقط جنین اراده می شده است. به عنوان مثال، صاحب جواهر در بحث دیه، به روایتی اشاره میکند که از آن استفاده میشود که در زمان رسول خدا (ص) و بعد از آن، این واژه به معنای سقط جنین بکار میرفته و صاحب جواهر نیز معنایی جز این اراده نکرده است. (عارفی، ۱۱۸۱ ش) «فی خبر سلیمان بن خالد، أن رجلاً جاء إلى النبيّ قد ضرب امرأة حبلى فاسقط سقطاً ميتاً؛ مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید درحالی که زن حامله ای را مضروب کرده بود و در اثر آن، حمل خود را انداخته بود». (حرعاملی، ۱۱۱۲ ق)

بنابراین سقط جنین به پایان یافتن زندگی به گونه ای که جنین توانایی ادامه حیات را در خارج از رحم نداشته باشد اطلاق می گردد. بدین ترتیب مقصود از سقط جنین اتلاف جنین است نه خروج از رحم مادر.

مراحل رشد جنین

مرحله ی اول: مرحله است که جنین هنوز شکل انسان ندارد. نطفه، علقه، مضغه و یا استخوان است. در این چهار مرحله جنین هنوز شکل انسان به خود نگرفته است.

مرحله ی ثانیه: شکل انسان کامل را به خود گرفته است ولی هنوز روح در آن دمیده نشده است. او در این حال مانند انسان مرده است و در احادیث هم تشبیه به میت مرده است و تصریح شده است که دیه ی آن با دیه ی میت یکی است. اگر کسی سر میت را ببرد باید صد دینار دیه دهد و اگر کسی جنین قبل از ولوج روح را ساقط کند باید صد دینار بپردازد. البته جنین از ابتدا تا انتها زنده است ولی تا قبل از ولوج روح حیات نباتی دارد و بعد از آن حیات انسانی حیوانی پیدا می کند. مرحله ی ثالثه: جنینی است که روح در آن دمیده شده است و شکل انسان به خود گرفته است. حکم سقط جنین در این مراحل با هم متفاوت است. (۸)

حقوق جنین از دیدگاه اسلام

کسانی که اسقاط جنین را آسان می‌شمارند، خیال می‌کنند که جنین در رحم مادر یک عضو بی ارزش در آنجاست، و حال آنکه از نظر اسلام جنین یک انسان بالقوه است و لذا انسان باید نسبت به حفظ آن کمال احتیاط را انجام بدهد. (۹)

۱- اولین حکمی که وجود دارد جنبه دیه است، دیه جنین از بیست دینار شروع می‌شود تا هزار دینار، به این معنی که اگر نطفه است و وابسته به جدار رحم است که در حال رشد می‌باشد، اگر کسی آن را اسقاط کند در صورت اثبات بیست دینار دیه اوست، اگر عقله باشد، دیه‌اش چهل دینار می‌باشد و اگر مضغه است که در حقیقت گوشت است، دیه‌اش شصت دینار است و اگر استخوان پیدا کرده است، هشتاد دینار است، اگر گوشت روی آن روییده، دیه‌اش صد دینار می‌باشد، و اگر روح در آن دمیده شد، چنانچه دختر باشد، دیه‌اش پانصد دینار است و اگر پسر باشد هزار دینار می‌باشد. (۱۰)

۲- حکم دومی که جنین از نظر اسلام دارد این است، اگر جنین پدرش بمیرد، اما این (جنین) هنوز در رحم است، می‌فرماید باید برای این جنین سهمی را کنار بگذارند، اگر متولد شد «و استهل» یعنی صدا زد، این نشانه حیاتش است، اگر پسر باشد دو سهم می‌برد و اگر دختر باشد یک سهم (۱۱)

۳- حکم سومی که اسلام برای جنین قائل شده است، این مسئله است که اگر مادری حامل است و در حال حمل مرتکب جنایت شد، مثلاً کسی را کشت و محکوم به قصاص شد، اگر حامل است، نباید او را قصاص کنند، باید صبر کنند که وضع حمل بکند و بعد از وضع حمل اگر اولیای دوم خواستند می‌توانند او را قصاص کنند، برای جنین یک جنین احترامی قائل است.

انواع سقط

به طور کلی به سه شکل «پزشکی»، «جنایی» و «خودبخود» صورت می‌گیرد: (۱۲)

۱- سقط پزشکی (درمانی)

چنین سقطی همان سقط قانونی است که عبارت است از ختم حاملگی تا چهار ماه از زمان لقاح با رعایت شرایط قانونی. همان‌طور که گفته شد گاهی مصلحت جنین یا مادر ایجاب می‌کند در شرایط خاصی جنین سقط گردد. بنابراین دو قسم در آن متصور است:

۱-۱ سقط جنین برای نجات جان مادر

۱-۲ سقط جنین برای نجات خود جنین "برای جلوگیری از تولد انسانی بیمار و

بهبود ناپذیر است: الف) جسمی ب) روحی

۲- سقط جنایی

سقط جنایی همان سقط غیرقانونی است که ممکن است به دلیل ارتکاب عمل فیزیکی توسط مادر یا شخص دیگری افتد که قانون‌گذار در موارد ارتکاب عمدی و غیرعمدی حسب مورد برای مسببین مجازات تعیین کرده است.

۳- سقط خودبخود

سقط خودبخودی معمولاً بر اثر اختلال جسمی و ناتوانی مادر برای نگهداری جنین در رحم خود، بدون خواست و دخالت پزشک یا مادر و در واقع بدون هیچ اراده و اختیاری به‌صورت ناگهانی رخ می‌دهد. این نوع از سقط نیز جرم نیست و مجازات ندارد. البته سقط جنین به عنوان راهکاری برای کنترل جمعیت از سوی برخی دولت نیز انجام می‌پذیرد.

حکم سقط در اسلام

از نظر آموزه های دینی یا از نظر اسلام در قضیه پیشگیری از بارداری حرمت شرعی وجود ندارد. اگر زن وشوهر خواستند از انعقاد نطفه جلوگیری کنند 'مجاز است ولی اگر نطفه ای منعقد شد سقط آن شرعا جایز نیست بلکه حرام شرعی است' حرمت تکلیفی دارد و به تعبیر دیگر جرم محسوب میسود. حرمت تکلیفی یعنی شرعا گناه کبیره مرتکب شده است.

(من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض کانما قتل الناس جميعا)(۳۲مائده)

کسی بکشد کسی را بدون حق قصاص یا بدون این که مقتول مفسد فی الارض باشد گناهش مثل آن است که همه مردم را کشته است 'عنوان من قتل نفسا شامل جنین در شکم مادر هم می شود.

حکم سقط جنین

اسقاط جنین به مقتضای اطلاق و بلکه تصریح برخی از روایات مطلقا جائز نیست ولو این که از راه نامشروع زنا بوجود آمده باشد همچنان که کشتن فرزند متولد از زنا جائز نبوده و در صورت کشتن بر قاتل پرداخت دیه واجب خواهد بود براین اساس اگر نطفه مرد اجنبی به طریقی ولو از غیر زنا به رحم زن اجنبیه منتقل شود اعم از این که عمدی و از راه نامشروع باشد یا این که نطفه به صورت غیر عمدی در رحم زن قرار گیرد 'در هر دو صورت چه عمد و چه غیر عمد اسقاط جنین جایز نخواهد بود. زیرا اسقاط جنین در صورتی که از طریق زنا بوجود آمده باشد طبق روایات منع شده است و به طریق اولی اگر از راه غیر عمد هم بوجود آمده باشد جائز نخواهد بود. (۱۳)

حرمت سقط جنین به ادله اربعه

۱- **حکم عقل:** سقط جنین یک نوع کشتن و قتل می باشد. همانطور که قتل عقلا قبیح و حرام است سقط جنین هم حرام می باشد. چه جنین در مرحله ی ابتدایی باشد و شکل انسان را به خود گرفته باشد یا نه. کشتن او بدون هیچ دلیل و بدون ضرورت یک نوع ظلم می باشد و حرمت ظلم از مستقلات عقلیه می باشد.(۱۴)

۲- **حکم اجماع:** تمامی علماء اسلام سقط جنین را حرام می دانند. هرچند این حکم را به این عبارت در کلمات خود ذکر نکرده اند ولی به عبارت دیگری آن را بیان کرده اند و آن اینکه همه می گویند سقط جنین دیه دارد. این عبارت از آنجا که دیه ملازم با حرمت است بیانگر این است که سقط جنین حرام می باشد. دیه ی ملازم با حرمت است زیرا دیه برای جبران خسارت می باشد و خسارت وارد کردن بر مسلمان حرام می باشد. بنابراین از حکم بر وجوب دیه حکم تکلیفی که حرمت است استفاده می شود.(۱۵)

۳- **روایات:** روایات بر دو دسته است یک دسته که حاوی یک روایت است نهی از اسقاط جنین است. روایات دیگر روایات دیات است. (به همان بیانی که در اجماع بیان کردیم که دیه ملازم با حرمت است)

۱-۳ اما روایت طائفه ی اولی:

حدیث ۱: عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ (می ترسد باردار شده باشد یا اینکه باردار شده و از ادامه ی بارداری می ترسد) فَتَشْرِبُ الدَّوَاءَ فَتُلْقِي مَا فِي بَطْنِهَا قَالَ لَا فَقُلْتُ إِنَّمَا هُوَ نُطْفَةٌ فَقَالَ إِنْ أَوَّلَ مَا يُخْلَقُ نُطْفَةٌ (اولین خلقت انسان کامل از همین نطفه است و نباید آن را بی ارزش حساب کرد).(۱۶)

نهی امام علیه السلام بیانگر حرمت تکلیفی است. در روایت مزبور اگر زن باردار بوده و از ادامه ی حمل می ترسید حکم آن واضح است و آن اینکه نباید آن را ساقط کند ولی اگر شک داشت باردار شده است یا نه کار مشکل تر می شود و آن اینکه نهی امام علیه السلام بیانگر آن است که هنگام شک هم نباید اقدام به سقط کرد و باید آن را نگه داشت.

۲-۳ اما طائفه ی دوم:

روایاتی که بیانگر اثبات دیه در سقط جنین است که از زمانی که نطفه منعقد می شود تا زمانی که انسان کاملی شده باشد دیه وجود دارد.

اما دلیل چهارم: کتاب الله

در قرآن در این مورد نص صریحی وارد نشده است مگر اینکه کسی از آیات عمومی مانند ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ (۱۷) استفاده کند.

این آیه لا اقل بعضی از مراحل جنین را شامل می شود و آن جاهایی که روح به جنین دمیده شده باشد و نفس بر جنین صدق کند. خلاصه اینکه حکم اولیه در اسقاط جنین حرمت است.

حکم سقط جنین از نظر اهل سنت (حکم الإجهاض الأخری)

اصل در شریعت بر ممنوعیت سقط جنین است و نظرامام محمد غزالی بر این است که سقط جنین در تمام مراحل جنین (از مرحله نطفه و ... حرام و ممنوع می باشد.

ولی فقهای مذاهب در این باره نظراتی دارند:

نظر فقهای حنفیه:

از نظر فقهای حنفیه اسقاط جنین قبل از نفخ روح در آن - یعنی قبل از چهار ماه بر گذشت حمل - امکان پذیر می باشد و آنها می گویند:

« یباح اسقاط الولد قبل اربعه اشهر ولولبلا اذن الزوج » (۱۸)

ولی بعضی جواز آن را مشروط به وجود عذر موجه می دانند.

نظر مذهب مالکیه:

فقهای مالکیه اسقاط جنین را حتی قبل از چهل روز از گذشت نطفه جایز نمی دانند و می گویند « ولا يجوز اخراج المنی المتکون فی الرحم

ولو قبل الاربعین یوما واذ نفخت فیہ الروح حرم اجماعا » (۱۹)

و نظر معتمدین این مذهب قبل از نفخ روح، بر حرمت است

نظر مذهب شافعیه:

فقهای شافعیه دو نظر دارند :

الف) نظریه قائل به تحریم

سقط جنین پس از استقرار نطفه در رحم و قبل از اتمام چهل روز .

ب) عده ای دیگر از جمله ابواسحاق مروزی و شبراملسی با استناد به نظریه ابوحنیفه سقط جنین را در مرحله نطفه و علقه مورد تسامح قرار

داد ه اند و باوجود عذر شرعی سقط آنرا جایز دانسته اند. (۲۰)

وفی حاشیة الشبراملسی علی نہایة المحتاج: اختلفوا فی جواز التسبب فی إلقاء النطفة بعد استقرارها فی الرحم. (نهایه المحتاج ج ۸ ص

(۴۱۸)

نظر مذهب حنابله :

فقهاء مذهب حنابله اسقاط نطفه را برای زن در قبل از چهل روز به وسیله داروی مباح جایز می شمارند : ولی اسقاط حمل پس از گذشت

چهل روز بر آن - هر چند به دلیل بیماری زن باشد - را جایز نمی دانند: « ویباح للمراه إلقاء النطفه قبل اربعین یوما بدواء مباح » (الروض) (۲۱)

نظر مذهب ظاهری:

فقهای این مذهب اسقاط جنین را در هر شرایطی جایز نمی دانند و هیچ عذری را در سقط جنین موجه نمی شمارند. (۲۲)

استاد فقه مقارن و مجتهد دکتر یوسف قرضاوی در (الفتاوی المعاصره) ج ۲ ص ۵۴۱ می گوید: « جنین به اعتبار اینکه یک موجود زنده است

دارای احترام خاصی می باشد تا آنجا که قوانین شریعت به زن حامله اجازه می دهد که ماه رمضان را به خاطر صیانت از حیات جنین افطار

نماید و باز میبایم که شریعت به خاطر حفظ جنین تأخیر قصاص را از زن حامله محکوم به قصاص و همچنین محکوم به رجم را واجب می

داند همانگونه که نمونه آنرا در داستان غامدیه میابیم و شریعت بر کسی که ضربتی بر زن حامله وارد آورد و باعث سقط جنین در شکم

مادر گردد دیه را بر او واجب گردانیده است » (۲۳)

مسائل مربوط به سقط جنین

۱- قبل از ولوج روح

۱-۱- ضرر برای مادر

۱-۱-۱ از بین رفتن مادر

جان مادر در خطر است و جنین هم کامل نشده است و اگر رشد کند مادر از بین می رود. بنابراین امر دائر بین حیات عمر مادر و جنینی

است که هنوز روح در آن ولوج نکرده است. در این حالت واضح است که باید جان مادر را حفظ کرد و فرزند را اسقاط کرد. زیرا مادر دارای

نفس محترمه است و جنین هنوز انسان نشده است.

۲-۱-۱ ترس از بین رفتن مادر

خوف قوی در این مورد هم ردیف قطع است. باید توجه داشت که در مسائل مربوط به آینده غالباً علم حاصل نمی شود و معمولاً خوف ایجاد می شود. عقلاء در مسائل مربوط به آینده خوف را جانشین علم می کنند. مثلاً کسی یقین ندارد روزه برای او ضرر داشته باشد ولی خوف دارد او نباید روزه بگیرد هکذا مسیری است که علم به خطرناک بودن آن نداریم ولی خوف داریم. در این حال رفتن به آن مسیر حرام است.

۲-۱-۲ تولد کودک با نارساییهای جدی

گاه بر اثر حمل جان مادر در خطر نیست ولی چون بچه ناقص متولد می شود خودش و والدین او در زحمت می افتند. این امر با تصریح اهل خبره ثابت می شود. در این حال باید بحث کرد که آیا می توان بچه را ساقط کرد؟ ممکن است بعضی بگویند این مجوز اسقاط نیست زیرا اگر کسی ناقص عضو متولد شود کسی حق ندارد او را بکشد هکذا جنینی که در شک مادر است که هر چند هنوز روح در او دمیده نشده است ولی چون بالقوه انسان می شود کسی نمی تواند او را ساقط کند. از آن طرف ممکن است کسی قائل به جواز اسقاط شود و آن اینکه بر اثر ادله ی عسر و حرج و اینکه جنین مزبور برای خود و پدر و مادرش عسر و حرج شدید به بار می آورد قائل به جواز شویم. گاه می شود که مادر هنگامی که با خبر می شود فرزندش ناقص است به تدریج مشکل اعصاب پیدا می کند. از طرفی هنوز روح در جنین دمیده نشده است و بر این اساس ادله ی عسر و حرج حاکم بر ادله ی حرمت اسقاط جنین شود. لا یبعد کسی بگوید: ادله ی عسر و حرج مجوز اسقاط جنین مزبور می باشد (جنینی که هنوز شکل انسان به خود نگرفته و روح در آن دمیده نشده است). (۲۴)

نظرات راجع فقهاء اهل سنت

نظر راجع همان نظریه استاد فقه مقارن، دکتر عبدالکریم زیدان است که در کتاب المفصل بیان داشته است و می گوید اگر سقط جنین به خاطر معالجه و یک توجیه شرعی بوده و مرحله جنین قبل از نفخ روح باشد - یعنی قبل از گذشت چهار ماه از آغاز حمل باشد - سقط آن از جانب شریعت اشکال ندارد و بعضی اسقاط جنین را در قبل از چهارماه - چه با عذر و چه بدون عذر - جایز می دانند و در این کتاب (المفصل) به نقل از درالمختار به آن تصریح شده است. (۲۵)(۲۶)

۲- بعد از ولوج روح

جنین کامل شده است و روح در آن دمیده شده است و ناقص الاعضاء نیست.

۲-۱ از بین رفتن مادر

به این معنا که مادر ضعیف است و اگر جنین او کامل شود مادر از بین می رود و یا لا اقل خوف این است که مادر از بین برود و خوف اماره ی عقلائی است و جانشین علم می شود. در این حال هم جنین انسان است و هم مادر. آیا باید این مسأله را به قضا و قدر الهی موقوف کرد و هر چه خدا مقدر کرده است به همان راضی بود؟ البته حرمت حفظ جان مادر در نظر شارع از جنین بیشتر است زیرا اگر کسی مادر را بکشد قصاص دارد ولی اگر کسی جنین را بکشد قصاصی در کار نیست و فقط دیه ثابت می شود.

۲-۲ علم قطعی یا ظن قریب به ناقص الخلقه بودن جنین

به این گونه که یا نقص عضو دارد (فلج یا نابینا است) یا نقص عقلی دارد و عقب افتاده است و یا از هر دو مورد نقص دارد. آیا می توان آن را اسقاط کرد؟

در اینجا دو وجه است:

۱- وجه اول این است که نمی توان اجازه داد انسان کاملی کشته شود. اگر انسانی متولد شود و بر اثر علتی مانند تصادف ناقص شود (مثلاً قتل نخاع شود) آنها را نمی شود کشت.

به عبارت دیگر اطلاعات و عموماً در دست است که جنین کامل را نمی شود ساقط کرد و این عموماً مورد مزبور را هم شامل می شود.

۲- وجه دوم این است که قاعده ی عسر و حرج می گوید: این فرزند بعد از تولد هم برای خودش و هم برای والدینش و برای جامعه ای که در آن زندگی می کند مشکلات عدیده ای به دنبال خواهد داشت.

لکن انصاف این است که چنین عسر و حرج هایی مجوز قتل جنین کامل نمی شود. قاعده ی لا حرج در واقع نوعی اهم و مهم است که در ما نحن فیه جاری نمی شود. اگر می شد به سبب قاعده ی مزبور جنین کامل را از بین برد باید بتوان با همان قاعده انسان زنده ای که ناقص شده است را هم از بین برد و حال آنکه کسی به آن قائل نشده است.

نظر فقهاء اهل سنت

ولی سقط جنین پس از دمیدن روح در آن (یعنی پس از چهارماه از لقاح) قطعاً ممنوع و حرام می باشد ولی اگر مادری بخاطر معالجه اقدام به نوشیدن دارو نماید و به سبب آن جنین سقط شود اشکالی ندارد: ولی اگر به قصد اسقاط حمل باشد ضامن خواهد بود و اگر بیم آن رود که جنین پس از ولادت و بزرگ شدن دچار مشکل دیگر خلقتی و یا اجتماعی و یا ... شود نظر راجح بر این است که سقط جنین جایز میباشد.

شیخ محمد شلتوت: رئیس سابق دانشگاه الازهر مصری گوید: اگر به صورت قطع ثابت شود که بقای جنین- پس از تحقق حیات آن- منجر به مرگ قطعی مادر میشود، قواعد کلی شریعت ما را به کمترین دوزرر (خف الضررین) دستور میدهد؛ زیرا بقای جنین و - اگر مرگ مادر را به دنبال داشته باشد- جایز نیست واسقاط حمل در چنین شرایطی معین میباشد و نباید مادر را فدای نجات جنین نمود.(۲۷)

سقط جنین به خاطر ازدیاد جمعیت

این مسأله را هم قبل از ولوج روح و هم بعد از آن می توان بررسی کرد. در جایی که کثرت نفوس و ازدیاد جمعیت مشکلات عدیده ای به وجود آورد آیا می توان جنین ها را ساقط کرد. اگر افراد خبره بگویند: رشد فعلی جمعیت موجب مواجه شدن با فقر، بیماری، بی سواد و سایر مشکلات می شود. آیا می توان بر اساس خبر آنها جلوی متولد شدن بچه ها را گرفت. اولاً حق این است که راه جلوگیری از افزایش جمعیت منحصر به این راه نیست و قاعده ی الضرورات تبیح المحذورات در مواردی است که راه منحصر به انجام کار ضروری باشد. مثلاً انسانی در حال غرق شدن است و راه منحصر به مسیر غصبی است. در این حال اگر مندوحه ای در کار باشد یعنی راهی غیر غصبی وجود داشته باشد دیگر نمی توان از مسیر غصبی عبور کرد. ثانیاً راه کنترل جمعیت هم بسیار متنوع است و منحصر به اسقاط جنین نیست. بنابراین نمی توان جنین را از بین برد مخصوصاً که جنین کامل شده باشد. اگر کسی این کار را اجازه دهد باید بتواند بچه های تازه به دنیا آمده است را هم مانند عصر جاهلیت از بین ببرد که دختران خود را می کشتند و یا به سبب فقر (خشیه املاق) فرزندان خود را می کشتند(۲۸)

دیه ی جنین

- دیه ی او در مرحله ی نطفه بیست مثقال طلا است که معادل پانزده مثقال امروزی می باشد.
- در مرحله ی علقه چهل مثقال
- در مرحله ی مضغه شصت مثقال
- در مرحله ی عظام هشتاد مثقال
- در مرحله ی عظام با لحم و قبل از ولوج روح صد مثقال
- بعد از ولوج روح اگر پسر باشد هزار مثقال و اگر دختر باشد پانصد مثقال.(۲۹)

دیه جنین متعلق به چه کسی است

دیه در این مورد مانند دیه در سایر ابواب فقهی است. در ابواب دیگر مسلم است که (الدیه یرثها کل مسابب و مناسب) یعنی به وارثان سببی و نسبی می رسد. در مورد جنین روایات متعددی در مورد لزوم دیه در سقط جنین وارد شده است ولی جز یک روایت سخنی از تقسیم دیه وارد نشده است. آن روایت در موردی است که مادر عمداً دواپی خورده و سقط جنین کرده است که امام علیه السلام می فرماید: مادر باید دیه را به پدر بدهد:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ (عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي امْرَأَةٍ شَرِبَتْ دَوَاءً وَهِيَ حَامِلٌ لَتَطْرَحَ وَلَدَهَا قَالَتْ وَلَدَهَا قَالَ إِنْ كَانَ لَهُ عَظْمٌ قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَشَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَالبَصَرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دِيَّةً تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قَالُوا وَإِنْ كَانَ جَنِينًا عُلْقَةً أَوْ مُضْغَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ غُرَّةً تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ فَمَهِيَ لَا تَرِثُ مِنْ وَلَدِهَا مِنْ دِيَّتِهِ؟ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ (۳۰)(۳۱)(۳۲)

از آنجا که طبقه ی اول ارث پدر و مادر و فرزندان هستند و جنین فرزندی ندارد و مادر هم قاتل است تمام دیه به پدر می رسد. حال اگر فرزند پدر نداشته باشد و مادر هم عمدا بچه را اسقاط کند در این حال دیه به طبقه ی بعد می رسد یعنی اگر جنین اجداد یا جدات یا برادر و خواهری داشته باشد به آنها می رسد و اگر اینها را هم نداشته باشد ارث به طبقه ی سوم که عموما و دایی ها و غیره می باشند می رسد.

حتی اگر روایت فوق هم وجود نداشت ما می توانستیم به اطلاقات مقامیه تمسک کنیم. اطلاق لفظی این است که لفظی باشد و به صورت مطلق وارد شده باشد مانند (تجارة عن تراض) که مقدمات حکمت در مورد آن جاری می شود و به اطلاق آن تمسک می کنیم.

ولی گاه دستمان به اطلاق نمی رسد ولی مقام، مقامی است که باید بگویند و اگر نگفتند می دانیم چیزی در کار نبوده است. مثلا در مورد سقط جنین اگر دیه اش مانند سایر دیات است امام لازم نیست چیزی بفرماید کما اینکه فرموده است و اگر قرار بود که حکم آن با سایر موارد فرق کند می بایست آن را مطرح می فرمود. حال که فرمود به اطلاق آن تمسک می کنیم و متوجه می شویم قید خاصی در کار نبوده است و این مورد هم مانند موارد دیگر است.

مثالی دیگر: اگر دستور داده شود که مستحب است غسل جمعه کنید و بیان نشود این غسل را باید چگونه انجام دهیم. در این حال به سبب اطلاق مقامی طرز انجام آن را به غسل جنابت و مانند آن حمل می کنیم و می گوییم: اگر قرار بود انجام این غسل با سایر اغسال متفاوت باشد می بایست آن را بیان می کردند. این همان اطلاق مقامی است.

همچنین در نماز آیات می گویند تمام چیزهایی که در نماز روزانه مستحب است در نماز آیات هم مستحب است. در مورد این نکته حدیثی وارد نشده است ولی چون در احادیث نماز آیات آمده است که فرق آن با صلوات یومیه در پنج قنوت آن است متوجه می شویم که در سایر موارد از باب اطلاق مقامی مانند نمازهای روزانه است.

نتیجه

- ۱- سقط جنین به پایان یافتن زندگی به گونه ای که جنین توانایی ادامه حیات را در خارج از رحم نداشته باشد اطلاق می گردد.
- ۲- کسانی که اسقاط جنین را آسان می شمارند، خیال می کنند که جنین در رحم مادر یک عضو بی ارزش در آنجاست، و حال آنکه از نظر اسلام جنین یک انسان بالقوه است و لذا انسان باید نسبت به حفظ آن کمال احتیاط را انجام بدهد.
- ۳- از نظر آموزه های دینی یا از نظر اسلام در قضیه پیشگیری از بارداری حرمت شرعی وجود ندارد. اگر زن وشوهر خواستند از انعقاد نطفه جلوگیری کنند 'مجاز است ولی اگر نطفه ای منعقد شد سقط آن شرعا جایز نیست بلکه حرام شرعی است' حرمت تکلیفی دارد.
- ۴- از نظر فقهاء اهل سنت جنین به اعتبار اینکه یک موجود زنده است دارای احترام خاصی می باشد شریعت بر کسی که ضربتی بر زن حامله وارد آورد و باعث سقط جنین در شکم مادر گردد دیه را بر او واجب گردانیده است.
- ۵- سقط جنین قبل از ولوج روح در صورت ضرر قطعی برای مادر یا خوف خطر حفظ جان مادر واجب است. سقط جنین قبل از دمیده شدن روح در صورت تولد کودک با نارساییهای جدی ادله ی عسروخرج مجوز اسقاط جنین مزبور می باشد.
- ۶- سقط جنین بعد از ولوج روح با خطر برای مادر حفظ جان مادر اهمیت دارد. اما در صورت علم قطعی یا ظن قوی به نارسایی جنین با زهم مجوز بر سقط نمی شود.
- ۷- اسلام برای جنین انسان این همه احترام قائل شده است، در کجای دنیا از حقوقدانان گرفته تا سایر متفکران آنها، یک چنین احترامی را برای انسان آنهم در اولین مراحلش قائل شده است.

منابع

- ۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۵، ص ۷۸۸۵، ذیل ماده جنین .
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۹، ص ۱۳۶۸۲، ذیل ماده سقط.
- ۳- ابن منظور، لسان العرب، الطبعة الاولى، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۰ م.
- ۴- ابن منظور، لسان العرب، الطبعة الاولى، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۰ م.
- ۵- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ص ۱۱۳.
- ۶- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۲۱.
- ۷- قضایى 'صمد' پزشکی قانونی ' ص ۵۳۶
- ۸- آیت الله مکارم شیرازی 'ناصر' درس خارج فقه 'مدرسه فقهات' ۱۳۷۴/۴/۴
- ۹- آیت الله سبحانی جعفر 'درس خارج فقه 'مدرسه فقهات' ۱۳۹۶/۱۱/۲
- ۱۰- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة 'نویسنده : الشہید الثانی 'جلد : ۱۰ صفحه : ۲۸۸
- ۱۱- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ' نویسنده : الشہید الثانی 'جلد : ۸ صفحه : ۴۷
- ۱۲- مقاله بررسی سقط جنین در صورت به خطرافتادن جان مادر و جنین 'حسین اسماعیلی 'استادیار گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، قم، ایران.
- ۱۳- آیت الله اشرف شاهرودی 'مصطفی' درس خارج 'مدرسه فقهات' ۱۳۹۷/۱۰/۱۹
- ۱۴- آیت الله مکارم شیرازی 'ناصر' درس خارج فقه 'مدرسه فقهات' ۱۳۷۴/۴/۳
- ۱۵- شیخ طوسی ' الخلاف ' کتاب الدیات 'مسأله ی ۱۲۰
- ۱۶- حر عاملی 'وسائل ج ۱۹ ابواب قصاص النفس باب ۷
- ۱۷- اسراء/سوره ۱۷، آیه ۳۳
- ۱۸- قال الحصکفی فی کتابه الدرر (۶) ص ۵۳ - کتاب موسوعة الفقه المصریة - إجهاض - المكتبة الشاملة الحديثة
- ۱۹- ص ۵۳ - کتاب موسوعة الفقه المصریة - إجهاض - المكتبة الشاملة الحديثة
- ۲۰- ص ۵۳ - کتاب موسوعة الفقه المصریة - إجهاض - المكتبة الشاملة الحديثة
- ۲۱- ص ۵۳ - کتاب موسوعة الفقه المصریة - إجهاض - المكتبة الشاملة الحديثة
- ۲۲- ص ۵۳ - کتاب موسوعة الفقه المصریة - إجهاض - المكتبة الشاملة الحديثة
- ۲۳- مقاله سقط جنین از دیدگاه فقه مقارن- احمد نعمتی- استادیار، گروه فقه، دانشکده الهیات، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.
- ۲۴- آیت الله مکارم شیرازی 'ناصر' درس خارج فقه 'مدرسه فقهات' ۱۳۷۴/۴/۴
- ۲۵- مقاله سقط جنین از دیدگاه فقه مقارن- احمد نعمتی- استادیار، گروه فقه، دانشکده الهیات، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.
- ۲۶- عبد الکریم زیدان ' المفصل فی أحكام المرأة والبيت المسلم فی الشريعة الإسلامية
- ۲۷- مقاله سقط جنین از دیدگاه فقه مقارن- احمد نعمتی- استادیار، گروه فقه، دانشکده الهیات، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.
- ۲۸- آیت الله مکارم شیرازی 'ناصر' درس خارج فقه 'مدرسه فقهات' ۱۳۷۴/۴/۴
- ۲۹- الشہید الثانی 'الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة' جلد ۱۰ ' صفحه ۲۸۹
- ۳۰- الفیض الکاشانی ' الوافی ' جلد ۱۶ ' صفحه ۷۵۳ ' حدیث ۱۰
- ۳۱- العلامة المجلسی ' ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار ' جلد ۱۶ ' صفحه ۵۰۳ ' حدیث ۲۱
- ۳۲- الشیخ الطوسی ' الإستبصار ' جلد ۴ ' صفحه ۳۰۱ ' حدیث ۱۱۳۰